نگاه هفته

نفت در آستانه ۳۰ دلار

رضا محمدیاری
تحلیلگر

● قیمت‌های نفت هنوز به سیر نزولی خود ادامه می‌دهند و این‌بار مرزهای ۳۰ دلاری را تجربه می‌کنند که طی ۱۱ سال اخیر بی‌سابقه است. علاوه بر ادامه‌داربودن مازاد عرضه در بازار، ورود نفت ایران در پی لغو تحریم‌ها از ابتدای ماه ژانویه، افزایش ذخیره‌سازی‌های آمریکا و تقویت ارزش دلار دلایل اصلی ادامه این سیر نزولی در هفته قبل دانسته شده است. پیش‌بینی مؤسسات مختلف نشان می‌دهد این سیر نزولی در نیمه اول سال آتی میلادی نیز ادامه خواهد داشت.

قیمت‌های نفت

قیمت نفت «برنت‌دریای‌شمال» (Brent) در ساعات آغازین روز جمعه ۱۸ دسامبر به ۳۷دلارو ۱۸ سنت رسید که نسبت به هفته قبل کاهش نشان می‌دهد. همچنین «نفت وست‌تگزاس‌اینترمدیت» (WTI) در همین روز به ۳۴دلارو ۹۵ سنت رسید. بانک «سیتی‌گروپ» در گزارشی اعلام کرد در شرایطی که عرضه نفت از ظرفیت ذخیره‌سازی بیشتر می‌شود، قیمت‌ها باید به اندازه کافی کاهش یابد تا برخی از تولیدات به توقف مجبور شوند. بنا بر گزارش این مؤسسه مالی و اعتباری آمریکایی، این شرایط تا نیمه اول سال ۲۰۱۶ میلادی برقرار خواهد بود و ازاین‌رو احتمال سقوط قیمت نفت تا سطح ۲۰ دلار وجود خواهد داشت. لازم به ذکر است از ابتدای ماه ژوئن سال جاری میلادی، قیمت‌های نفت نیمی از ارزش خود را از دست داده‌اند.

قیمت سبد نفتی اوپک

بنا به گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سبد نفتی اوپک (OPEC Reference Basket Price) در پایان روز پنجشنبه ۱۷ دسامبر به ۳۱دلارو ۴۹ سنت رسید که نسبت به هفته قبل حدود دو دلار کاهش نشان می‌دهد. سیر نزولی قیمت نفت برای اقتصاد کشورهای عضو اوپک که عمدتا تک‌محصولی هستند، نگرانی‌های جدی را به وجود آورده است. کسری بودجه بیشتر این کشورها به بالاترین میزان طی دهه اخیر افزایش یافته است. بنا به گفته دبیرکل اوپک، این کاهش قیمت که طی هفت سال اخیر بی‌سابقه است، ادامه‌دار نخواهد بود و طی شش ماه تا یک سال آینده قیمت‌ها رو به صعود خواهند گذاشت. اوپک اعلام کرده است در صورتی که قیمت‌ها تا ماه فوریه افزایش نیابد، نشست اضطراری برگزار خواهد کرد.

تأثیر شرایط آب‌وهوایی

برخی کارشناسان معتقدند وجود آب‌وهوای معتدل یکی دیگر از دلایل قیمت‌های نزولی نفت است؛ زیرا تحت این شرایط تقاضا برای نفت کوره کاهش می‌یابد. به گزارش فارس، بازارهای نفتی معمولا با فرارسیدن اوج سرما در نیمکره‌شمالی با افزایش تقاضا روبه‌رو می‌شوند، اما هوای غیرمعمول و معتدل در شروع زمستان امسال - که تا حدی ناشی از پدیده ال‌نینو است- تقاضا برای نفت گرمایشی را محدود کرده است.

افزایش صادرات ایران در ماه دسامبر

به گزارش خبرگزاری رویترز، صادرات نفت ایران در ماه دسامبر به بیشترین میزان خود طی شش‌ماهه اخیر رسیده است. بنابر این گزارش، با توجه به امیدها برای لغو تحریم‌ها در ماه ژانویه، صادرات روزانه یک‌میلیون‌و ۲۶۰هزار بشکه نفت ایران در ماه دسامبر ثبت شده است که نسبت به دو ماه اخیر ۲۵ درصد رشد نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد ایران آماده است تا همراه با لغو تحریم‌های نفتی، صادرات خود را به صورت جهشی افزایش دهد، اما این امر ممکن است باعث تشدید کاهش قیمت نفت در شرایط مازاد عرضه کنونی شود.

قیمت گاز طبیعی

طی هفته گذشته قیمت‌های گاز طبیعی همانند ماه‌های اخیر به سیر کاهشی خود ادامه داد. قیمت اسپات هنری‌هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا از دو دلار و شش سنت در ابتدای هفته به یک دلار و ۷۰ سنت به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) در جمعه ۱۸ دسامبر کاهش پیدا کرد که این رقم از سال ۱۹۹۸ میلادی بی‌سابقه است.

دلایل سقوط قیمت گاز

پایین‌بودن تقاضا در آستانه فصل زمستان، پیش‌بینی زمستانی معتدل در نیمکره‌شمالی زمین، افزایش بی‌سابقه ذخیره‌سازی گاز در آمریکا، کاهش واردات ال‌ان‌جی توسط هند و ژاپن و کره‌جنوبی به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان گاز و افزایش عرضه ال‌ان‌جی توسط استرالیا و آمریکا از مهم‌ترین دلایل سقوط قیمت گاز در بازار اروپا و آمریکا به شمار می‌رود. البته باید توجه داشت به طور کلی قیمت گاز طبیعی به صورت مستقیم به قیمت نفت وابسته است. به گفته دبیر کل مجمع کشورهای صادرکننده گاز، این تبعیت به حدی است که اگر قیمت نفت کاهش یابد، با یک فاصله زمانی دو تا شش ماهه، قیمت گاز نیز کاهش می‌یابد. تولید گاز از میادین شیل (Shale Gas) سبب افزایش عرضه در بازار شده است اما به نظر می‌رسد کاهش قیمت و غیراقتصادی‌شدن این تولیدات سبب افزایش قیمت در آینده نزدیک خواهد شد.

روایت پروین از انتقال جوان‌ترها از دهک‌های ۲ و ۳ به دهک یک

جوانان به دهک فقیر پیوستند

خانوارها در مرز مینیمم زندگی حرکت می‌کنند

شرق: نمایش پورشه‌سواران در خیابان‌ها از کجا ناشی می‌شود؟ چرا برخی از مردم حداقل معیشت را برای گذران زندگی ندارند؟ اقتصاددانان با مؤلفه توزیع درآمد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصادی همواره سعی داشته‌اند به این موضوع رسیدگی کنند. به عقیده برخی از کارشناسان، اینجاست که علم اقتصاد وارد وادی اخلاق می‌شود. در بررسی این موضوع نشستی با عنوان «جایگاه توزیع درآمد در نظریه و عمل» در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد که در آن، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز به‌عنوان عاملی مهم با هدف توزیع عادلانه درآمد، بررسی شد. عباس شاکری، سهیلا پروین و علی دینی‌ترکمانی از استادان این دانشکده به بحث‌وبررسی این مهم پرداختند.

سهیلا پروین، اقتصاددان

افت رفاه برای همه

پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها موضوعی که مطرح شد، این بود که آثار هدفمندی بر دهک‌های فقیر جامعه چه بود؟ آیا توزیع درآمد بهتر شده؟ یکسری اطلاعات و ارقام و شاخص‌ها نشان می‌دهند توزیع، بهبود داشته و وضعیت فقرا بهتر شده است. این هدفمندی یکسری آثار منفی هم داشت؛ ازجمله مسئله رکود و تورم که در سال ۹۲ ایجاد شد، کاهش اشتغال و افت بخش صنعت. اگر نکات قوت پایدار می‌ماند، می‌توانستیم بپذیریم هدفمندی یارانه‌ها در بخش‌هایی اثر مثبت داشته، اما این اثر مثبت هم به دلیل تغییراتی که بعد از سال ۹۱ در اقتصاد ایران به وجود آمد، خیلی پایدار نبود. در بررسی اهدافی که در پرداخت یارانه کالایی و نقدی پیگیری می‌کنیم سه گام حداقل برای ما از دیدگاه رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی مهم است. یکی ارتقای رشد و ایجاد اشتغال است، یعنی یارانه می‌دهیم که این دو بخش از اقتصاد فعال شوند. دوم فراهم آوردن یکسری خدمات پایه اجتماعی به‌ویژه برای گروه‌هایی است که از رشد متضرر می‌شوند یا از رشد دور می‌مانند یا منافع رشد به آنها نمی‌رسد؛ مثل مراقبت‌های بهداشتی، ساماندهی خانوار، آموزش‌های اولیه و برنامه غذا. یک قسمت از اهداف پرداخت یارانه به‌خصوص وجه هدفمندی‌اش باید این باشد که هر سیاست اقتصادی‌ای که اجرا می‌کنید که منظور از آن معمولا رشد اقتصادی و تداوم آن است، گروه‌هایی آسیب‌پذیر خواهند بود. هدف از یارانه در گام سوم این است که میزان ضرر و کاهش رفاه این طبقات را که از توسعه دور می‌مانند، بتوانیم تأمین کنیم. بنابراین یارانه‌ها را می‌توانیم در سه سطح تحلیل کنیم اعم از کالایی یا نقدی؛ یکی از اثرات در سطح کلان است که برمی‌گردد به اینکه اثرات توزیعی چه می‌شود، تغییراتی که در توزیع درآمد اتفاق می‌افتد به نفع کدام طبقه است که این اثر بستگی به نحوه تأمین مالی برنامه هدفمندی دارد. اگر پول چاپ کنیم بی‌تردید تورم بالا خواهد رفت. اگر منابع هدفمندی را از محل مالیات ثروتمندان اخذ کنیم بی‌تردید آثار توزیعی متفاوت است. یک تحلیل در سطح خرد؛ یعنی خانوارها و شرکت‌هاست که عمدتا منظورمان خانوارهاست؛ تغییراتی که در سبد مصرفی خانوار اتفاق می‌افتد. یک تحلیل دیگر از جنبه کارا بودن و ناکارابودن است. کارایی؛ یعنی هزینه‌ای که بابت هدفمندی می‌پردازیم بالاخره مبارزه ریشه‌ای با فقر کرده و اشتغال‌زایی دائمی داشته؟ در غیراین‌صورت این سیاست غیرکارا بوده. تجربه کشورها نشان داده به‌ویژه در سطح خانوارها «یارانه کالایی» مؤثرتر و کارآمدتر بوده. وقتی بحث از هدفمندی می‌شود منظور این است که یارانه و کمک‌ها حداکثر اصابت را به خانواده‌های فقیر یا دورمانده از فرایند رشد داشته باشد. یکی از معیارها می‌تواند این باشد که براساس جغرافیا تقسیم و مشخص کنیم به چه منطقه‌ای یارانه ندهیم. کاربرد این ابزار یا معیار وقتی مناسبت دارد که منطقه جغرافیایی فقرا مشخص باشد. مثلا بخش روستایی، شهری و قسمت‌هایی از شهر که تفکیک طبقاتی ایجاد شود. بانک جهانی، مصرف برق را معیار قرار داده؛ به این علت که مصرف برق رابطه کاملا مستقیمی با درآمد خانواده داشته که تا حدودی هم در کشورهای آفریقایی جواب داده است. معیار بعدی اطلاع از میزان بودجه خانوار است منتها بودجه خانواری که با این هدف تهیه شده باشد، نه بودجه خانواری که برای حساب‌های ملی و کلان اقتصادی جمع‌آوری می‌کنیم.

مجموعه تحولاتی که در اقتصاد رخ داده تأثیرش بر هزینه زندگی خانوارها در کل کشور نشان می‌دهد در مقابل افزایش ۱۲۷ درصدی هزینه یک خانوار، ارزش واقعی کالاهای مصرفی ۱۰ درصد کاهش داشته است؛ یعنی خانوارها در مرز مینیمم حرکت می‌کنند. اتفاق دیگری که رخ داده و در اقتصاد ما نادر است، این است که شاخص هزینه زندگی روستایی‌ها بالاتر از شهری‌هاست

رشد مثبت در بخش معامله‌گری

بحث مهم دیگر این است که چرا تحقق هدفمندی با تمام بحث‌های اقتصادی و سیاسی، موفقیت‌هایی که سیاست‌گذاران وقت می‌گفتند را به دنبال نداشت. نمی‌گویم شکست خورده، اما اهدافی که مطرح می‌شد از جمله بهبود توزیع درآمد و فعال‌شدن موتور اقتصاد محقق نشد. یکی از مؤلفه‌های آن انتخاب زمان مناسب بود؛ چون در اقتصاد داخلی و در سطح بین‌الملل موقعیت مناسبی برای اجرای این سیاست نداشتیم. دوم ابزار مناسبی هم انتخاب نکردیم. پرداخت نقدی به صورت همگانی و بدون اینکه زمان مشخصی در نظر گرفته شود، یکی از اشتباهات این برنامه بود. البته توجیه سیاست‌گذاران این بود که شناسایی افراد به مراتب هزینه بیشتری خواهد داشت. مشکل دیگر این بود که برآورد دقیقی از منابعی که در اختیار سیاست‌گذار قرار می‌گیرد و می‌تواند بابت هدفمندی پرداخت کند را درست بررسی نکردیم. فرض سیاست‌گذار این بود که اقتصاد به صورت مکانیکی عمل می‌کند و از یک منبع گرفته و برای گروه دیگر خرج خواهد شد. بالاخره در سال ۸۸ بخشی از تحریم‌های کالایی شروع شد و تحریم بانک مرکزی و ممانعت در فروش نفت ایران به وجود آمد و فشارهای بین‌المللی در اقتصاد ایران رو به فزونی بود. محیط اقتصاد داخلی هم مناسب اجرای طرحی به این گستردگی نبود. اتفاقی که در نتیجه اجرای این طرح رخ داد، این بود که بخش‌های صنعت، معدن، بخش‌های کالایی و واقعی اقتصاد همه کاهش رشد داشتند. در درون بخش خدمات هم رشد بخش‌های مؤسسات خدمات پولی و مالی که برای تأمین مالی سرمایه‌ها و پروژه‌ها نیاز داریم، در حال منفی‌شدن است، اما رشد بخش خدمات و مستغلات حرفه‌ای همچنان مثبت است. درحالی که بخش ساختمان به شدت دچار افت رشد است، اما بخش معامله ساختمان و مسکن همچنان مثبت است. یعنی از بخش تولیدی که اشتغال و ارزش افزوده ایجاد می‌کند به سمت کاهش این فرایند می‌رویم، اما در بخش معامله‌گری رشد مثبت داریم.

تداوم رشد منفی متوسط سرانه هر ایرانی

مجموعه این شرایط باعث شد که در سال ۹۲ به‌طور متوسط سرانه درآمد هر ایرانی نسبت به سال قبل، ۱۸ درصد کمتر شده باشد که اطلاعات سال ۹۳ هم نشان می‌دهد هنوز رشد منفی وجود دارد. پس شاخص‌های مالی دولت هم چندان مساعد اجرای چنین طرح فراگیری که تمام اجزای اقتصاد را دربربگیرد، نیست. در سال ۹۲، میزان درآمد حقیقی دولت ۳۰ درصد افت داشته است. هزینه‌های جاری هم تقریبا ۱۸۴ درصد نسبت به سال ۸۶ افزایش داشته است، در حالی که ارزش واقعی ۲۰ درصد افت داشته است. هزینه‌های سرمایه دولت در اقتصاد ایران موتور توسعه بخش خصوصی است، اما این بخش از نظر رشد ریالی با ارزش جاری نسبت به سال ۸۶ فقط ۴۹ درصد رشد داشته، درحالی که هزینه‌های جاری ۱۸۴ درصد رشد داشته. در واقع در تمام طول دوره ۸۶ تا ۹۲ کسری دولت تقریبا ۵۰ درصد بودجه‌اش است؛ یعنی حداقل همین کسری به این گستردگی باید به ما این پیام را می‌داد که اجرای چنین برنامه‌ای به‌ویژه پرداخت همگانی منطق اقتصادی ندارد. این تحولات که در اقتصاد اتفاق افتاده با خود جابه‌جایی منابع به همراه دارد و این شاخص‌هاست که به سرمایه‌گذار می‌گوید وارد کدام بخش شود. در این زمان شاخص کالایی اقتصاد ۱۷۷ درصد رشد نشان می‌دهد. رشد مسکن پایین‌تر است و شروع به کاهش می‌کند. اما در مقابل خدمات بیشترین افزایش را داشته و این شاخص به سرمایه‌گذار می‌گوید که سودآوری در بخش خدمات بیشتر است، در حالی که خدمات یکی از عوامل تورم‌زا در اقتصاد ایران است. اگر از دیدگاه شاخص نقدینگی و ارز هم نگاه کنید نسبت به سال ۸۶ ریال‌مان ۲۶۳ درصد و ارزش ریالی دلار هم ۲۴۰ درصد رشد دارد؛ یعنی اگر دست از کنترل برداریم، دلار هنوز هم جا دارد که گران‌تر شود.

خانوارها در مرز مینیمم حرکت می‌کنند

مجموعه تحولاتی که در اقتصاد رخ داده تأثیرش بر هزینه زندگی خانوارها در کل کشور نشان می‌دهد در مقابل افزایش ۱۲۷ درصدی هزینه یک خانوار، ارزش واقعی کالاهای مصرفی ۱۰ درصد کاهش داشته است؛ یعنی خانوارها در مرز مینیمم حرکت می‌کنند. اتفاق دیگری که رخ داده و در اقتصاد ما نادر است، این است که شاخص هزینه زندگی روستایی‌ها بالاتر از شهری‌هاست. اگر هر دو را در سال ۸۶، یک فرض کنیم شاخص هزینه زندگی شهری‌ها ۲۲۶ و عکس‌العملشان در مقابل مصرف هشت درصد کاهش داشته، اما شاخص هزینه زندگی روستایی ۲۴۸ شده و ۱۱ درصد هم کاهش داشته است. سال ۹۱ در آثار ثانویه هدفمندی (اگر هدفمندی را آثار اولیه در نظر بگیریم) دچار کسری می‌شویم و سراغ برداشت از حساب‌های دیگر مثل حساب شرکت‌ها، دولت، بخش تملک سرمایه یا هزینه‌های سرمایه‌ای دولت رفتیم و به صورت نقدی به حساب خانوارها واریز کردیم. در این میان در گروه خوراکی‌ها شاخص هزینه از یک به ۲،۷ رسیده و ۱۷۰ درصد افزایش داشته است. بعد از خوراکی‌ها، گروه مسکن و سوخت روشنایی ۱۴۰ درصد رشد دارد. در بعضی از گروه‌ها مثل خدمات آموزشی و تفریحی اگرچه صد درصد افزایش هزینه داشتیم اما مقدار مصرف واقعی یا هزینه واقعی تغییر چندانی نداشته، به این معنی که سرمایه‌گذاری روی آموزش برای خانوارها مهم است. مصرف پوشاک و لوازم منزل ۳۰ درصد کاهش داشته اما گروه‌های دیگر کاهش پیدا نکرده است. بخش خدمات بهداشتی و درمانی ۱۳۰ درصد رشد داشته و خانوار توانسته فقط ۱۰ درصد از میزان حقیقی کم کند.

فقط ۴ درصد از بودجه خانوار به دست تولیدکنندگان می‌رود

یکی از واقعیت‌های ناگوار دیگر درباره کالاهایی است که طول دوره مصرفشان بالاتر است و بادوام حساب می‌شوند که سهمش به‌شدت کاهش پیدا کرده است. شش درصد از هزینه خانوار برای سهم کالاهای بادوام و نسبتا رفاه‌آور هزینه می‌شود که این نسبت در سال ۹۲، چهار درصد شده؛ یعنی خانوار برای کالاهای بادوام کمتر هزینه می‌کند تا ضروریات را تهیه کند. از یک دیدگاه دیگر این نشانه بدی است چون نشان می‌دهد فقط چهار درصد از هزینه خانوار به دست تولیدکنندگان این کالا می‌رود. اقتصاد ایران دارای درآمد اقتصادی قابل‌توجهی است و بخشی از این کالاها خارجی هستند و فقط چهار درصد از هزینه خانوارها که شامل کالای خارجی، هزینه نگهداری و تعمیرات است، به دست این تولیدکنندگان می‌رسد. بنابراین خروج از رکود به این راحتی‌ها نخواهد بود. صنعتی که فقط چهار درصد از بودجه خانوار را به خود اختصاص می‌دهد به این راحتی نمی‌تواند خودش را ترمیم کند، چراکه خانوار تا جایی که توانسته در مقابله با این تورم از رفاه و کالاهای غیرضروری کم کرده است. در سال ۹۲ هر خانوار شهری به طور متوسط ۹۰۰ هزار تومان کالای بادوام خانگی خریداری کرده است. بخش صنعت به این دلیل است که نمی‌تواند به‌سرعت از رکود خارج شود. سهم کالای بادوام در سال ۸۶ از ۱۱ درصد به پنج درصد کاهش پیدا کرده است. کالاهای نیمه بادوام دو درصد و خدمات از ۸۰ به ۵۱ درصد رسیده؛ یعنی به طور متوسط مصرف واقعی کاهش یافته است. هزینه‌های خوراک، مسکن، بهداشت، سوخت و حمل‌ونقل خانوارهای فقیر ۸۶ درصد بوده که در سال ۹۲ به ۹۶ درصد رسیده؛ یعنی فقط چهار درصد از هزینه خانوار به غیر از این موارد می‌رسد. در سال ۸۸ هم ۶۷ درصد از هزینه‌های دهک دهم، این چهار قلم است و حدود ۳۳ درصد برای سایر گروه‌ها هزینه می‌شود. رفاه اقتصادی از مصرف کالاهای غیرضروری‌تر حاصل می‌شود. اگر بخواهیم موقعیت گروه‌های فقیر را هم دقیق‌تر ببینیم، سه دهک پایین را از نظر مقدار و نه ریال در نظر گرفته‌ایم که در انواع نان به طور متوسط این سه دهک سه درصد کاهش مصرف داشته‌اند. در دهک پایینی از سال ۸۸ تا ۹۲ حدود هفت درصد کاهش داشته. خانوار دهک پایینی تغییری نداشته به این دلیل که در مینیمم مصرف است. دهک اول در سال ۸۸، ۲۲ کیلوگرم سرانه مصرف برنج داشته که قابل کم‌کردن نبوده است. در مورد میوه، متوسط خانوارها ۲،۷ درصد رشد منفی داشته‌اند. در مورد گوشت قرمز متوسط سه دهک ضعیف در سال، ۱۶ درصد کاهش مصرف دارند و دهک اول ۱۴ درصد است.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

انتشار ۵۰۰ میلیون دلار اوراق قرضه ارزی توسط دولت در سال ۲۰۱۶

● **تسنیم:** محمد خزائی، معاون وزیر اقتصاد و دارایی ایران در مصاحبه با وال استریت ژورنال گفت: دولت ایران احتمالا در سال ۲۰۱۶ حداقل ۵۰۰ میلیون دلار اوراق قرضه ارزی به سرمایه‌گذاران بین‌المللی پیشنهاد خواهد کرد. ایران امیدوار است برای ترمیم اقتصاد خود بعد از تحریم‌ها، صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کند.

پرونده رانت ۶۵۰ میلیون یورویی روی میز شورای رقابت

● **مهر:** شورای رقابت پرونده موسوم به رانت ۶۵۰ میلیون یورویی را دوباره در دستور بررسی خود قرار داد. شورای رقابت در دویست‌وسی‌وچهارمین جلسه خود در تاریخ ۳۰ آذرماه جاری ادامه بررسی‌ها درباره موضوع موسوم به رانت و پرونده ۶۵۰ میلیون یورویی را انجام خواهد داد. این موضوع حدود یک سال پیش برای اولین‌بار مطرح شده بود. اوایل اردیبهشت‌ماه سال گذشته اخباری مبنی بر امتیاز ویژه وزارت صنعت و بانک مرکزی به یک واردکننده خوراک دام مطرح شد و براین‌اساس شورای رقابت به‌منظور بررسی انحصار وارد این موضوع شد. براساس ادعاهای مطرح‌شده، براساس تفاهم‌نامه بانک مرکزی با یک شرکت خصوصی، این شرکت توانست ۶۵۰ میلیون یورو معادل ۹۰۰ میلیون دلار کالا را بدون پرداخت معادل ریالی آن قبل از واردات، وارد کشور کند.

تلنبار ۳ میلیون تن فولاد در انبارها

● **تسنیم:** رئیس هیأت عامل ایمیدرو با اشاره به تلنبارشدن حدود سه میلیون تن محصولات فولادی در انبارها شش پیشنهاد برای خارج‌شدن صنعت فولاد از رکود ارائه داد. به گزارش روابط‌عمومی سازمان توسعه ونوسازی معادن وصنایع معدنی ایران، مهدی کرباسیان با اشاره وضعیت نامطلوب فولادسازان داخلی در تأمین نقدینگی و تلنبارشدن حدود سه میلیون تن محصولات فولادی در انبارها، اظهار کرد: برای خروج از وضعیت رکود فولادسازان، شش پیشنهاد شامل «اعطای جایزه صادراتی»، «افزایش تعرفه واردات فولاد»، «فعال‌کردن حوزه مسکن»، «تغییر سبک ساخت‌وساز و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها»، «اعطای تسهیلات خرید برای این حوزه نظیر صنعت خودرو» و نیز «کاهش هزینه‌های تولید» می‌تواند اثر بخش باشد.